تو شبیه آفتابی، ابر می‌پوشد تو را

نویسنده: دکتر مهتا بردبار

تاریخ انتشار: 16 Khordad 2585 باستانی برابر با June 6, 2026 میلادی



از خودم دلگیرم اما از تو گاهی بیشتر
بی‌دلیل افتاده‌ام در اشتباهی بیشتر
من فقط با خود به جنگ تن‌به‌تن سر داده‌ام
تو ولی لشگر کشیدی با سپاهی بیشتر
خواستم در قصر آغوشم عزیز من شوی
تو فقط در جست‌وجوِی قعر چاهی بیشتر
خیری از خوبی ندیدیم و به لطفَت باز هم
هی فرو رفتیم به گرداب گناهی بیشتر
کوره‌راهی در مسیر کعبه‌ام انداختی
ساختم با شعرهایم قبله‌گاهی بیشتر
تو به راه انقلاب شعر سنگ انداختی
با غزل‌هایم کشیدم شاهراهی بیشتر

صد پلنگ از چشم‌های من به دنیا آمده
تو به فکر یک پلنگِ پابه‌ماهی بیشتر
تل کاهَم، دود و آتش از دلم سر می‌کشد
تو پیِ سوزن در این انبار کاهی بیشتر
تو شبیه آفتابی، ابر می‌پوشد تو را
از تو دلگیرم ولی از ابر گاهی بیشتر